

قلمرو شرعی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر (حوزه مردم نسبت به یکدیگر)

حسین جوان آرسته*

چکیده

این مقاله درصدد است تا به پرسش‌هایی در زمینه محدودیت‌های امر به معروف و نهی از منکر، مستندات این محدودیت‌ها، نسبت میان قلمرو شرعی و قلمرو قانونی امر به معروف و نهی از منکر پاسخ گوید. در قسمت مربوط به قلمرو شرعی امر به معروف و نهی از منکر، مواردی چون تعرض به حریم خصوصی دیگران، تجسس در امور دیگران و جلوگیری از حرام با عمل حرام، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بخش مربوط به قلمرو قانونی، بحث بر روی ممنوعیت‌های مرتبط با حریم خصوصی و ممنوعیت‌های مرتبط با نهادهای قانونی متمرکز شده است. به رغم برخی تفاوت‌های ظاهری قلمرو شرعی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر همسو بلیکدیگر و مکمل هم می‌باشند و حوزه‌های مختلفی نظیر شئون اسلامی، حقوق شهروندی، عفت عمومی، امور خانوادگی، امنیت و انضباط اجتماعی، بهداشت عمومی، حفظ اموال عمومی و حفاظت از محیط زیست را در بر می‌گیرند.

واژگان کلیدی

معروف، منکر، شرع، قانون، قلمرو، حریم خصوصی، نهادهای قانونی.

hoarasteh@gmail.com

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

تاریخ پذیرش: 90/9/3

تاریخ دریافت: 90/3/7

مقدمه

به موجب اصل هشتم قانون اساسی:

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل، بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

و براساس قرآن کریم

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. (توبه/ 71)
مردان و زنان با ایمان، ولی و یار یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

یکی از پرسش‌های اساسی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر آن است که این وظیفه در چه محدوده و قلمروی روا و در چه محدودهای نارواست. به عبارت دیگر، آیا امر به معروف و نهی از منکر از نظر شرعی و قانونی، به صورت مطلق مطالبه شده اند یا خیر؟ اگر این مطالبه مطلق نیست و حد و مرزی دارد، این مرزها کدامند؟ مستندات این محدودیت چیست؟ چه نسبتی میان قلمرو شرعی و قلمرو قانونی امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد؟ آیا میان موارد شرعی و قانونی همخوانی وجود دارد یا خیر؟ این مقاله به صورت مستقیم و غیرمستقیم در مقام پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست.

پیش از بررسی موضوع، لازم است ملاحظاتی در ارتباط با مفاد اصل هشتم لازم است در نظر گرفته شود:

1. گرچه از نظر شرعی (براساس ظاهر آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر)¹ این

1. تعبیر «امت» در آیه «كُنْتُمْ خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/ 110) و نیز آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/ 104) و امر صریح به مردان و زنان مؤمن در انجام این وظیفه در آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ»

وظیفه شامل حال مسلمانان می‌شود، ولی چون قانون‌گذار، آن را «همگانی» دانسته است، به فرد، جریان یا گروه یا این خاصی تعلق ندارد. شاید به این دلیل که هدف از امر به معروف و نهی از منکر، ترویج خوبی‌ها و دوری از زشتی‌ها و بدی‌هاست و هر انسانی به‌طور فطری در پی چنین جامعه‌ای است. لذا برای تحقق این هدف غیرمسلمانان نیز می‌توانند و بلکه لازم است ایفای نقش کنند.

2. در این بررسی، از میان سه حوزه مورد نظر اصل هشتم تمرکز بر حوزه نخست، یعنی نظارت مردم بر یکدیگر است.

3. یکی از مفروضات این مقاله که از عنوان آن پیداست، مطلق نبودن مطالبه امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم است. ما در صدد شناسایی موارد جواز یا عدم جواز شرعی یا قانونی امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم نسبت به یکدیگر هستیم. این شناسایی بر این پیش‌فرض استوار است که هرچند اسلام ترویج خوبی‌ها و مبارزه با بدی‌ها را در دستور کار مؤمنان قرار داده است و بر انجام آن تأکید دارد، مواردی وجود دارند که افراد در رپاروپی با ترک معروف یا انجام منکر، مجاز به مداخله و جلوگیری نیستند و اگر چنین کنند، خود مرتکب منکر شده‌اند. این موارد را ابتدا از نظر شرع مقدس و سپس از نظر قوانین بررسی خواهیم کرد.

قلمرو شرعی امر به معروف و نهی از منکر (محدودیت‌های شرعی)

1. تعرض به حریم خصوصی دیگران

اصطلاح «حریم خصوصی» در فقه، با سابقه نیست و آنچه وجود دارد مسئله «حریم» است. آری؛ می‌توان در فقه، اموری چون حق مالکیت، اصل برائت، ممنوعیت تجسس، تفتیش،

أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه / 71) همگی دلالت بر این دارند که مخاطبان این فریضه، مسلمانان هستند. برخی مفسران چنین برداشتی از آیه اخیر داشته‌اند. (طباطبایی، 1417: 8 / 281) درباره روایات نیز می‌توان به این نمونه اشاره کرد: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَزَقَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَاعَ يَقُولُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْتَأْذَنْ بِوَقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى». (طوسی، 1365: 6 / 177) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هشدار پیامبر درباره سهل‌انگاری امتش، یعنی مسلمانان در انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است.

فاش کردن عیوب دیگران، استراق سمع، غیبت و ورود بدون اجازه به منزل دیگران را از جمله موارد دفاع از حریم خصوصی به شمار آورد. با عنایت به همین مسئله، برخی موضوع گیری اسلام در مقوله حریم خصوصی را «تحویل گریانه» دانسته اند. (انصاری، 1386: 5)

دهر صورت، آنچه به عنوان حریم خصوصی افراد مطرح است، دارای مصونیت بوده و دیگران حتی در صورتی که بدانند ساکنان محل در حال انجام گناه و معصیت هستند، نمی توانند به قصد نهی از منکر مداخله کنند. قرآن کریم می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ
بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا
ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. (نور / 27)

ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه هایی که خانه های شما نیست، داخل نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویند. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید.

خداوند با تعبیر «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا» مؤمنان را از ورود بدون اجازه در ملک دیگران نهی فرموده است. استیناس در اینجا به معنای اذن گرفتن است و مراد این است که وارد خانه نشوید تا آن که به واسطه اجازه گرفتن ائمه بگیریید. (راوندی، 1405: 2 / 130)

به فتوای امام خمینی علیه السلام تنها در نهی از منکرهای بسیار مهم مانند جلوگیری از کشتن انسان بی گناه می توان به محل کار یا منازل افراد وارد شد و در دیگر موارد، این گونه اقدامات حرام است.

اگر جلوگیری از منکر، متوقف بر ورود بدون اجازه به داخل خانه یا ملک دیگری یا تصرف در اموال وی از قبیل فروش و رختخواب باشد، در صورتی جایز است که منکر به قدری مهم باشد که خداوند رضی به ارتکاب آن نیست؛ نظیر کشتن انسان بی گناه و لما در غیر این گونه موارد، تصرف در ملک دیگران مشکل است هر چند که بعید نیست بعضی از مراتب تصرف در بعضی از منکرات جایز باشد. (امام خمینی، بی تا: 1 / 480)

شاید بتوان از باب الغای خصوصیت یا تنقیح مناط، حکم عدم جواز را به موارد دیگر از جمله وسایل نقلیه افراد و بازرسی از آنها تسری داد. با این توضیح که منزل افرادی محل کار آنان خصوصیتی ندارند و آنچه مهم است عدم تعرض به حریم خصوصی افراد است که می‌تواند مصایق متعدد داشته باشد.

امام خمینی علیه السلام در فرمان هشتم ماده‌های معروف خود، بر رعایت حریم خصوصی مردم بسیار تأکید داشتند. بنه‌های پنج‌م و ششم این فرمان که نشان‌دهنده میزان دغدغه رهبر جمهوری اسلامی به حقوق مردم و رعایت ضوابط شرع مقدس اسلام است، به‌راستی تأمل‌برانگیز است. به اعتقاد این فقیه بنیان‌گذار:

... هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا بغام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری، بغام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم، هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال سرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا سراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر، فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون لشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد. (امام خمینی، 1386: 17 / 141)

2. تجسس در امور دیگران

ممنوعیت تعرض به حریم خصوصی، شامل ممنوعیت تجسس نیز می‌شود و اهمیت این موضوع به‌اندازه‌ای است که نگاه مستقل به آن شایسته است. خطاب قرآن به مؤمنان در این زمینه چنین است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ
إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا. (حجرات / 12)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از آنها

گناه لست و جلسوسی مکنید.

به نظر می‌رسد مراد از تجسس در آیه، جستجو برای یافتن عیبها و لغزشهای دیگران است. امام صادق علیه السلام در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

در جستجوی لغزشهای مؤمنان نباشید، هر که چنین کند، خداوند در مقام بررسی لغزشهای او بر خواهد آمد و در این صورت، او راحتی در درون خفته‌اش رسوا خواهد نمود. (کلینی، 1365: 2 / 355؛ حر عملی، 1409: 12 / 274)

یکی از تفاوت‌های مهم نظارت مردمی غیررسمی (که از آن به امر به معروف و نهی از منکر تعبیر می‌شود) با نظارت‌های رسمی، آن است که نظارت رسمی از روی علم و عمد صورت می‌گیرد، ولی نظارت‌های غیررسمی تصادفی هستند. اگر مردم در جلی با معروف تر کشده یا منکر انجام شده روبه‌رو شوند، در این حالت وظیفه نظارتی آنان ایجاب می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر کنند. بر این اساس، در نظارتی که بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر صورت می‌گیرد، از نظر شرعی، حق تحقیق، تفحص و تجسس برای هیچ‌کس وجود ندارد، ولی حساب نظارت‌های پنهانی بر اعمال کارگزاران یا مأموران یا مراقبتهای امنیتی نسبت به خرابکاران و فتنه‌گران جداست. «شهید مطهری» یکی از عوامل که رنگ‌شدن اصل امر به معروف در میان مسلمانان را نوع رفتار آنان می‌داند و می‌گوید:

این خود ما بودیم که این اصل را به صورتی در آوریم که مردم را بیزار کردیم و این اصل را فراموش کردیم... ما فقط در مورد منکراتی که علنی است و به آنها تظاهر می‌شود، حق تعرض داریم. دیگر حق تجسس و مداخله در مسوری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است، نداریم. ولی در گذشته نزدیکه یک عده مردم ماجراجو و شرور بالطبع که می‌خوالتند ماجراجویی کنند و حساب خرده‌های خود را با دیگران صاف کنند، این اصل مقدس را دستاویز قرار می‌دادند. (مطهری، 1375: 20 / 199 و 200)

3. جلوگیری از حرام با عمل حرام

در مواردی که جلوگیری از حرام، متوقف بر ارتکاب کار حرام از سوی افراد باشد، وظیفه

چیست؟ به عبارت دیگر، هنگامی که برای نهی از منکر عملی، جز انجام حرام هیچ راه دیگری برای ما وجود ندارد، چه باید کرد؟ برای مثال اگر لازم شود برای جلوگیری از خوردن شراب، ظرفی که فرد از آن استفاده می‌کند، شکسته شود یا در وسیله نقلیه‌ای که برای کارهای حرام مورد استفاده قرار می‌گیرد، نقص فنی ایجاد شود، آیا از نظر شرعی می‌توان این‌گونه اقدامات را انجام داد؟ پاسخ منفی است؛ زیرا در چنین مواردی تکلیفی متوجه مکلفان نیست و وظیفه از دوش افراد برداشته می‌شود و شارع مقدس، راضی نیست که ما برای گرفتار نشدن دیگران خود را گرفتار معصیت کنیم و مبعوض بودن عمل حرام، همچنان باقی است.

در این زمینه می‌توان به «قاعده تسلط» استناد کرد. این قاعده فقهی، برگرفته از روایت نبوی «ان الناس مسلطون علی اموالهم» (احسائی، 1405: 1 / 457) است. گرچه این روایت به دلیل مرسله بودن از نظر سند، اشکال دارد، استناد فقها به مفاد آن، ضعف سندش را جبران می‌کند. (مکارم شیرازی، 1411: 2 / 22) سلطه انسان بر اموال خودش، منافعی هرگونه سلطه دیگران در این اموال خواهد بود. علاوه بر این، ممنوعیت تصرفات دیگران در اموال اشخاص را می‌توان از لوازم و آثار مالکیت انسان بر اموال دانست. این لوازم عبارتند از: نافذ بودن تصرفات مالک و عدم جواز تصرفات دیگران در اموال.

حال آیا می‌توان به دلیل استفاده نامشروع از برخی اموال، به اموال دیگران از باب نهی از منکر آسیبی رساند؟ «اگر بطری شراب و یا جعبه آلات قمار را بشکند، درحالی که در دفع منکر نیازی به چنین کاری نبوده است، ضامن است و کار حرامی را انجام داده است» (امام خمینی، بی‌تا: 478 / مسئله 6) و «اگر در نهی از منکر از مقدار لازم تجاوز کرد و این امر خسارتی را بر فاعل منکر وارد کرد، نهی از منکر کننده ضامن است و در تعدی خود مرتکب حرام شده است». (همان: مسئله 7)

دلیل دیگر بر جلیز نبودن چنین اقداماتی، این است که در اسلام، هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند. ما مجاز نیستیم برای رسیدن به اهداف خود هرچند مقدس، از هر وسیله‌ای بهره بگیریم. این قاعده کلی در موضوع امر به معروف و نهی از منکر نیز صادق است. نمی‌توان با کار ناشایست مانع از انجام کار ناشایست دیگران شد. این قاعده، استثنایی هم دارد و آن در

موردی است که دفع افسد جز از طریق فاسد ممکن نباشد.

جایز نیست برای نهی از منکر از عملی حرام نظیر نلسزا و دروغ و اهانت کمک بگیرد. آری اگر منکر، عملی باشد که شارع در هیچ شریطی رضی به آن نیست، نظیر کشتن نفس محترمه و کارهای قبیح و گناهان کبیره‌ای که مایه هلاکت است، جایز است، بلکه اگر جلوگیری از چنان منکر ی جز به وسیله آن گونه محرمات حاصل نمی‌شود، ارتکاب آنها برای جلوگیری از منکرات بزرگتر، واجب است. (همان: 478 / مسئله 5)

4. برخورد با منکرات مورد اختلاف

احکام شرعی در یک تقسیمی، در دو گروه ضروریات شرعی و فتاوی شرعی قرار می‌گیرند. امری چون وجوب نماز، روزه، زکات، حجاب و حرمت شرب خمر و زنا از ضروریاتند. برپاداشتن این دسته از واجبات و نیز جلوگیری از این محرمات، که در معروف بودن یا منکر بودن آنها اتفاق نظر وجود دارد، وظیفه هر مسلمانی است. گروه دوم، نظرات و فتاوی فقهی است. دیدگاه فقیهان به عنوان متخصصان امور دینی، ترجمانی از احکام شرع است و بی‌شک، دیگران برای دستیابی به احکام شرعی رهی جز تقلید از آنان ندارند.¹ از آنجا که فقیهان، گاه در میانی، گاه در منابع و گاه در شیوه‌های استنباط احکام شرع با یکدیگر اختلاف نظر دارند، احتمال اختلاف فتوا میان آنان، دور از انتظار نخواهد بود. اینجاست که گاه فقیهی، فتوا به حرمت چیزی می‌دهد و فقیه دیگر، فتوا به عدم حرمت آن؛ فقیهی، فتوا به وجوب چیزی می‌دهد و فقیه دیگر، فتوا به عدم وجوب آن. برای مثال، اگر یکی از مراجع تقلید، تراشیدن ریش را منکر و حرام نداند، ولی مراجع دیگر در این زمینه احتیاط کرده، یا فتوا به حرمت بدهند و یا اگر مرجعی فتوا به حرمت اقامه نماز جمعه در زمان غیبت دهد و مرجع یا مراجع دیگری فتوا به جواز آن دهند، چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد در چنین مواردی هر فرد با دو وظیفه روبه‌روست:

اول: وظیفه عملی خود براساس نظر مرجع تقلیدش؛

1. به استثنای راه احتیاط که رهی مشکل و طاقت‌فرساست.

دوم: وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نسبت به دیگران.

درباره وظیفه اول - به جز موارد استثنایی - هر کس مطابق فتوای مرجع تقلید خود، عمل خوله‌د کرد و در پیشگاه خداوند، معذور خوله‌د بود. اما در موارد اختلاف فتوا چگونه می‌توان به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در قبال دیگران عمل کرد؟ در اینجا اگر معروف‌ها یا منکرها، فردی یا اجتماعی باشند، وظیفه متفاوت خوله‌د بود.

معروف و منکرهای فردی: در این گونه موارد، ما نمی‌توانیم افراد را از کناری نهی کنیم که در نظر مرجع تقلیدشان حرام نیست؛ زیرا این عمل برای آنان منکر محسوب نمی‌شود.

اگر عملی حکمش مورد اختلاف باشد و این احتمال وجود داشته باشد که نظر اجتهادی یا تقلیدی انجام‌دهنده عمل یا ترک‌کننده آن، متفاوت با نظر دیگران بوده و آنچه را انجام داده در نظرش جایز است، در این صورت امر و نهی، واجب نیست، بلکه نهی از منکر جایز نمی‌باشد چه رسد به اینکه فرد نسبت به نظر اجتهادی یا تقلیدی دیگری علم داشته باشد. (همان: 466)

معروف و منکرهای اجتماعی: در صورتی که در این موارد میان فقیهان اتفاق نظری وجود

نداشته باشد، برای حل مشکل، راه‌حلی ارائه شده که عبارتند از:

1. تبعیت هر مقلد از فتاوی مرجع خود؛
2. تبعیت همه مقلدان از یک مرجع تقلید اعلام و ملاک قرار دادن رأی او در تشخیص معروف و منکرهای اجتماعی؛
3. تبعیت از رأی اکثریت مراجع؛
4. تبعیت از رأی ولی فقیه.

در سه گزینه اول مناقشه وجود دارد؛ زیرا گزینه اول، هرچند مرجع و بهمه پیوستن نظم اجتماعی را به دنبال خوله‌د داشت. گزینه دوم، ما را به بنیست می‌کشد؛ زیرا هر مقلدی مرجع تقلید خود را از دیگر مراجع اعلام می‌داند و در نتیجه، توافق بر یک مرجع تقلید اعلام و عمل بر اساس فتوای او امکان‌پذیر نیست. گزینه سوم، مبنای شرعی ندارد؛ زیرا اینکه مقلدان وظیفه داشته باشند در موارد اختلاف میان فقیهان، رأی اکثریت را ملاک عمل قرار دهند، در

فقه شیعه پذیرفته نشده است؛ زیرا اکثریت، دلیل بر حقانیت نیست. بدین ترتیب منطقی‌ترین گزینه، ملاک قرار دادن رأی ولی فقیه خواهد بود. ترجیح رأی فقهی ولی فقیه بر رأی فقهی دیگران، ترجیح بالامرجح نیست، بلکه به دلیل دارا بودن امتیاز «ولایت» است. بدین ترتیب در تشخیص معروفها و منکرهای اجتماعی، سیاسی و حکومتی، وظیفه هر مسلمانی - قطع نظر از اینکه چه کسی مرجع تقلید اوست - این است که نظرهای فقهی ولی فقیه را ملاک عمل قرار دهد. چنین فقیه‌ی، به دلیل اشراف به مسائل سیاسی و اجتماعی، در جیگله‌ی قرار گرفته است که علی‌القاعده بدگاه او در مقیسه با دیگران، صائبتر خواهد بود. نظم عمومی نیز ایجاب می‌کند که در این‌گونه مسائل، رأی وی فصل‌الخطاب قرار گیرد و مسلمانان در امر به معروف و نهی از منکر خودشان، نظر وی را مبنای عمل خود قرار دهند.

اگر از نظر امام خمینی علیه السلام تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی، حرام و یکی از مصادیق منکرات اجتماعی باشد و مرجع تقلید دیگری این‌گونه تخلفات را حرام شرعی نداند، آیا مقلدان وی شرعاً می‌توانند چنین کاری را «منکر» ندانند؟ آیا اگر خود، مرتکب چنین تخلفی شدند یا مرتکبان را نهی نکردند، از نظر شرعی معذورند؟ ما با تبوهی از امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روبه‌رو هستیم که با توجه به مصالح و مقتضیات زمان و مکان متعلق امر و نهی قوانین حکومت اسلامی قرار می‌گیرند و چه‌بسا در بسیاری از موارد، آرای فقهی برخی از مراجع بزرگوار تقلید، با این قوانین همسویی نداشته باشد، آیا مقلدان این بزرگواران می‌توانند این قوانین را خلاف شرع و منکر تلقی کنند؟ آیا مجازند از باب امر به معروف و نهی از منکر به مقابله با آن برخیزند؟ پاسخ مثبت به این پرسش‌ها معنایی جز هرج و مرج و تجوز مبارزه با مقررات دولتی که نوعی مقاومت منفی در برابر نظام است، نخواهد بود.

اینها از مباحث بسیار مهمی هستند که لازم است از ابعاد مختلف بررسی شوند. امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که با نظام بانکی در ارتباط نباشد؛ «ربا» به‌طور مسأله‌پسندی از منکرات اقتصادی در اسلام است؛ حال اگر در قانون بانکداری اسلامی مورد تأیید حاکم اسلامی، برخی معاملات، مصداق معاملات ربوی شناخته نشوند و همین معاملات در نظر برخی از مراجع تقلید، ربوی باشند، چه باید کرد؟ در چنین مواردی آنچه به شخص مراجع و

مقلدان آنها مربوط می‌شود، معلوم است. اگر این معاملات را ربوی می‌دانند، مجاز به انجام آن نیستند، ولی آیا می‌توانند دیگران را از انجام آن نهی کرده، به مقابله با آن برخیزند؟

5. احتمال خطر جانی یا حیثیتی

اسلام، اهمیت ویژه‌ای برای جان و عرض و آبروی انسان قائل است. در مکتب اسلام، حیثیت و جان انسان به‌ویژه مسلمان از حقوق بنیادین بشر تلقی شده‌اند و بر صیانت از آنها به شدت تأکید شده است. به‌گونه‌ای که تعرض به جان یا حیثیت انسان، حتی از سوی خود شخص مجاز نیست. جان و آبرو، امانتی الهی در دست بشر است و انسان‌ها موظف به مراقبت از آنها هستند. در موضوع مورد بحث اگر انجام چنین وظیفه‌ای برای انسان، خطر جانی یا حیثیتی به دنبال داشته باشد، تکلیف امر بمرعوف و نهی ازمنکر ساقط، بلکه در مواردی نیز حرام می‌شود. برخی از فقیهان بر این باورند که قلمرو سقوط تکلیف، حتی شامل وارد آمدن خسارت مالی قابل توجه نیز می‌شود.

اگر بر جان یا آبرو یا خود یا جان یا آبروی مؤمنان بترسد، نهی ازمنکر حرام می‌شود و همچنین لست ترس بر لموال مؤمنان در صورتی که قبل توجه باشد و لما اگر بر مال خودش بترسد، بلکه حتی یقین دلشسته باشد که ضرر مالی متوجه او می‌شود، در صورتی که آن ضرر برایش مشقت آور نباشد، ظاهر نهی ازمنکر حرام نخواهد بود و لما اگر بعد مشقت و حرج برسد، بعید نیست حرام باشد. (همان: 472 / مسئله 4)

البته نباید فراموش کرد که این امر نیز مانند دیگر موارد، استثنائاتی دارد. گاه معروف یا منکر به‌قدری دارای اهمیت هستند که مسلمان با هر هزینه‌ای باید وظیفه امر و نهی خود را انجام دهد، هرچند به قیمت جان یا آبروش تمام شود.

اگر معروف و منکر از امور مورد اهتمام شارع قدس باشند، نظیر حفظ نفوس قبیله‌ای از مسلمانان و هتک نولمیس آنان و یا محو آثار اسلام و نابودی حجت آن بطوری که باعث گمراه شدن مسلمانان شود و یا محو بعضی از شعائر اسلام، مثل خله خدا بطوری که آثار و جای آن از بین برود و امثال این‌گونه فسادها، باید بین آن مفلسد و بی‌بدهای امر بمرعوف و نهی ازمنکر مقایسه و آنچه مهم‌تر است، حفظ شود و صرف ضرر هر چند ضرر جلی و یا حرج باعث رفع تکلیف نمی‌شود. بنابراین

اگر برپایی دلایل اسلام به گونه‌ای که زمینه گمراهی از بین برود متوقف بر فداکردن جان و یا جان‌ها باشد، ظاهر این امر واجب است تا چه رسد به اینکه بپردازد ی‌دین، باعث وقوع شدن در حرج و ضرر غیر جلی باشد. (همان: 473 / مسئله 6)

6. اجرای خودسرانه حدود و تعزیرات

برخی از منکرات، اعمال مجرمانه‌ای هستند که مرتکبان آنها در شرع مقدس اسلام، مستحق حد شرعی می‌باشند. این جریله‌ها و مجازات‌های آنها در نظام کیفری اسلام به تفصیل بیان شده و در قانون مجازات اسلامی نیز در عناوین حدود، قصاص و تعزیرات، منعکس شده است. پرسش مهمی که در اینجا وجود دارد این است که آیا افراد عادی می‌توانند در برخورد با چنین منکراتی اقدام عملی کرده، حد شرعی را بر مجرمان اجرا کنند؟ بیشتر فقیهان، اقامه حد بر افراد را صرفاً در صلاحیت امام معصوم یا نمایان امام، یعنی فقیهان جامع‌الشرایط می‌دانند. (کرکی، 1414: 3 / 488؛ محقق حلی، 1408: 1 / 313) البته برخی از فقها اقامه حد بر زن و فرزند را از سوی شوهر و پدر بدون نیاز به اذن حاکم شرع، جلیز دانسته‌اند (عاملی، 1410: 84) از فتاوای مورد اشاره که بگذرد با وجود دولت اسلامی و نهادهای قضایی خاص، هیچ فقیهی مجوز اجرای حدود را به افراد غیرمسئول نمی‌دهد، به‌ویژه با توجه به حساسیت حدود و اهمیت ویژه‌ای که شرع مقدس به جان دیگران در نظر دارد.

7. تجاوز از مراحل امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر براساس فتاوای فقها که برگرفته از روایات لاهلیت است در سه مرحله «قلبی»، «زبانی» و «عملی» صورت می‌پذیرد. هر یک از این مراحل سه‌گانه به نوبه خود، دارای مراتبی است که امر و نهی‌کنندگان باید ترتیب این مراتب را در هر مرحله رعایت کنند. متأسفانه بیشترین آسیب‌هایی که به جایگاه مقدس امر به معروف و نهی از منکر وارد شده، به دلیل بی‌توجهی به مراحل و مراتب این فریضه بزرگ دینی و افراط و تفریط‌ها بوده است. اهتمام جدی فقها و بزرگان دینی در این باره، نشان‌دهنده میزان اهمیت و ظرفیت این کار است. در اولین مرحله، امر و نهی‌کننده باید از جار قلبی‌اش را به مخاطب بفهماند که بلید

معروف را انجام دهد و منکر را ترک کند. نشان دادن انزجار قلبی درجاتی دارد، از جمله چشم‌فرو بستن، چهره در هم کشیدن، چهره‌ها یا بدن را برگرداندن و ترک مراوده و قهر کردن.

در هر مرتبه واجب است به درجه پایین‌تر آن اکتفا کند و آسان‌تر آن را انجام دهد، به‌ویژه در صورتی که انجام مرتبه شدیدتر، موجب هتک حرمت طرف مقابل شود. در این صورت تجاوز از مقدار لازم جایز نیست، مثلاً اگر احتمال دهد که تنها با بستن چشمش مطلوب حاصل می‌شود، انجام مرتبه بالاتر جایز نیست. (امام خمینی، بی‌تا: 476)

کسانی که در این مرحله اقدام به امر و نهی می‌کنند، لازم است به این نکته توجه داشته باشند که کدام مرتبه از مراتب یادشده، بازدارندگی بیشتری بر مخاطب دارد. نشان دادن انزجار و تنفر قلبی از راه ترک مراودت و مجالست با تبه‌کاران نیز مورد مطالبه و تأکید قرآن است:

وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ. إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ. إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا. (نساء / 140)

و البته [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده که هرگاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد، با آنان منشینید، تا به سخنی غیر از آن درآیند؛ چراکه در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کفران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد.

در مرحله دوم، نوبت به «امر و نهی زبانی» می‌رسد. در برخی از موارد، فرد متخلف یا گناهکار که در واقع بیمار است.

عمل زشتی را مرتکب می‌شود، به‌خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت‌تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد، احتیاج به روشن‌کننده دارد، احتیاج به فردی دارد که با او تماس بگیرد، با کمال مهر بلی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معیّب و مفلسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد. (مطهر ی 1366: 17 / 247)

اگر احتمال دهد که با ارشاد و موعظه و سخن نرم و ملایم، غرض حاصل می‌شود، واجب است چنین کند و تجاوز از آن جایز نیست. (مام‌خیمینی، بی‌تا: 478 / مسئله 2)

اگر بداند که با موعظه و سخن ملایم، غرض حاصل نمی‌شود، با تحکم، او را لم‌بمعروف و نهی‌ازمنکر می‌کند و در این مرتبه اگر احتمال تأثیر می‌دهد، واجب است از آسان‌ترین کلام آغاز کند و تجاوز از آن جایز نیست، به‌ویژه اگر مورد، کسی است که خشونت، هتک حرمت اوست». (همان: مسئله 3)

نکته جالب توجه این است که رعایت ترتیب مراحل سه‌گانه «انکار قلبی»، «انکار زبانی» و «انکار عملی»، به نوع افراد و مخاطبان بستگی دارد، اما اگر با مخاطبی روبه‌رو شویم که تأثیرپذیری وی از مرحله دوم (انکار زبانی) بیش از مرحله اول (انکار قلبی) است، درباره او باید ابتدا از مراتب انکار زبانی شروع کرد.

اگر در بعضی از مراتب نهی زبانی (مرحله دوم) لَهانت و یئای کمتری نسبت به مراتب انکار قلبی (مرحله اول) وجود دارد و غرض به همان اندازه حاصل می‌شود، واجب است نهی زبانی مقدم گردد و به مقدار لازم اکتفا شود. برای مثال، اگر فرض شود، موعظه با بیان نرم و روی گشاده مؤثر است و یا شلید تأثیر دارد و کمتر از روی گردانی و قهرکردن و امثال آن، طرف را آزار می‌دهد، نباید از این نهی زبانی تجاوز کند و به قهر و روی گردانی تمسک جوید. امرکنندگان و امرشوندگان از نظر احوال مختلفند، چه‌بسا اشخاصی که قهرکردنشان طرف مقابل را بیشتر آزار می‌دهد تا امر بمعروف و نهی‌ازمنکر زبانی و برای او سنگین‌تر و لَهانت‌آمیزتر است. بنابراین بر امر و نهی‌کننده لازم است که رعایت مراتب و حال اشخاص را کرده، عمل خود را مطابق آسان‌ترین راه انجام دهد. (همان: مسئله 6)

جلوهای گوناگون این مرحله را می‌توان این‌گونه برشمرد: نصیحت و ارشاد با گشاده‌روی و بیان ملایم نصیحت و ارشاد با بیان تند و شلید و بالاخره، امر و نهی تهیه‌کننده و تحکم‌آمیز. مرحله سوم، مرحله اعمال قدرت است. گرچه تأثیر مثبت امر و نهی قلبی یا زبانی بر بیشتر افراد خاصی، انکار نمی‌شود، گاه با مجرم و تبهکاری روبه‌رو هستیم که نهی‌ازمنکر قلبی و زبانی تأثیری در وی ندارد و او همچنان به کار ناشایست خودش ادامه می‌دهد. درباره

پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

طَبِيبٌ ذَوَّارٌ بَطِيْهٌ ، قَدْ اُخِمْ مَرَاهِمَهُ وَ اُخِمِي مَوَاسِمَهُ . (نهج البلاغه: خطبه 108)
 در مقام معالجه، پزشکی بود که هم مرهم می‌گذارد و هم داغ می‌کند؛ یعنی در صورت لزوم جراحی می‌کرد.

این رفتار دوگانه پیامبر، برای همه قابلیت‌الگوبرداری دارد. در مرحله‌ای «اُخِمَ مَرَاهِمَهُ» منکرات و مفاصد فردی و اجتماعی را از راه لطف و مهربانی معالجه می‌کرد و در صورتی که این شیوه سودی نمی‌بخشید، «اُخِمِي مَوَاسِمَهُ» وارد عمل جراحی می‌شد و به صورت عمیق داغ می‌کرد. هم مرهم‌های خود را بسیار محکم و مؤثر انتخاب می‌کرد و هم آنجا که پای داغ‌کردن و جراحی در میان بود، عمیق داغ می‌کرد و قاطع جراحی می‌فرمود. شاید سعدی از همین سیره رسول خدا الهام گرفته است که می‌گوید:

درشتی و نرمی به هم در به لست چو رگزن که جراح و مره‌زنه لست

البته با این تفاوت که در طبابت رسول خدا ﷺ، نرمی بر درشتی مقدم بود و هر زمان به کار گرفته نمی‌شد. بی‌چنگلی به آرای امام خمینی در این زمینه نیز رهگشا خواهد بود:

اگر علم یا اطمینان داشته باشد که مقصود با دو مرحله قبلی حاصل نمی‌شود، واجب لست به مرتبه سوم که مرحله اِعمالِ قدرت لست، منتقل شود، البته با رعایت مراتب نرم‌تر آن. (امام خمینی، بی‌تا: 480 / مسئله 1)
 اگر ایجاد فاصله بین فرد و گناه، مستلزم تصرف در فرد یا ابزار کار وی باشد، به این صورت که دست او را بگیرد و یا او را طرد کند و یا در جام شراب و یا در چاقوی او تصرف کند، این کار جایز و بلکه واجب لست. (همان: مسئله 3)

اینک این پرسش وجود دارد که در مرحله سوم (مرحله اقدام عملی برای جلوگیری از منکر) با رعایت مراتب آن، آیا هر نوع اقدام عملی برای جلوگیری از منکر از سوی افراد ممکن است؟ آیا برای جلوگیری از انجام منکر، زندانی کردن یا زدن یا مجروح کردن و یا

کشتن فرد جلیز است؟ آیا آمران و نلهیان می‌توانند حد شرعی را بر افراد جاری سازند؟ مروری بر آرای فقها نشان می‌دهد که دیدگاه یکسانی در این زمینه وجود ندارد:

1. زدن بدون ایجاد جراحت: گرچه عموم فقیهان آن را جلیز دانسته‌اند، برخی آن را بدون اذن امام یا نایب وی، جلیز نمی‌دانند. (سیستانی، بی‌تا: 1 / 420)
2. مجروح کردن یا کشتن: برخی آن را بدون نیاز به اذن امام جلیز دانسته، هرچند بیشتر فقیهان، حکم به عدم جواز داده‌اند. (مفید، 1413: 809؛ یلمی، 1404: 260؛ علامه حلی، بی‌تا: 9 / 444؛ همو، 1413: 4 / 459؛ محقق حلی، 1408: 1 / 312؛ نجفی، بی‌تا: 21 / 383) و گفته‌اند در صورتی که اقدام آمر یا نلهی به شکستگی عضو یا قتل منجر شود، وی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود.

3. اجرای حدود: برخی از منکرات، اعمال مجرمانه‌ای هستند که مرتکبان آنها در شرع مقدس اسلام، مستحق حد شرعی می‌باشند. این جریه‌ها و مجازات‌های آنها در نظام کیفری اسلام به تفصیل بیان و در قانون مجازات اسلامی نیز در عناوین حدود، قصاص و تعزیرات، منعکس شده است. آیا افراد عادی می‌توانند در برخورد با چنین منکراتی اقدام عملی کرده، حد شرعی را بر مجرمان اجرا کنند؟ بیشتر فقیهان، اقامه حد بر افراد را صرفاً در صلاحیت امام معصوم یا نایبان امام، یعنی فقیهان جامع‌الشریط می‌دانند. (کرکی، 1414: 3 / 488؛ محقق حلی، 1408: 1 / 313) برخی اجرای حد را تنها درباره ارباب نسبت به برده خود روا دانسته‌اند. (علامه حلی، بی‌تا: 9 / 445) علامه این قول را به ابن‌حریس نیز نسبت داده است. (محقق حلی، 1408: 1 / 313) برخی دیگر از فقها علاوه بر این مورد، اقامه حد بر زن و فرزندان را نیز از سوی شوهر و پدر جلیز دانسته‌اند. (عاملی، 1410: 84)

محدودیت امر و نهی عملی در زمان حکومت اسلامی

علاو بر فتاوی پیشین، در حال حاضر و با وجود دولت اسلامی و نهادهای قضایی خاص، از نظر فقهی، نه تنها اجازه اجرای حدود به افراد غیرمسئول داده نمی‌شود، بلکه موارد نهی عملی خفیف‌تر نیز توسط مردم جلیز شمرده نمی‌شود.^۱ برخی از فقیهان بر این باورند که چون با

1. مسئله 2419: «اگر برای امری معروف و نهی از منکر لازم شود که متوسل به ضرب و جرح یا اتلاف

وجود حکومت اسلامی، امکان ارجاع مراتب مربوط به امر و نهی عملی، به نیروهای انتظامی و قضایی وجود دارد، وظیفه آمران و ناهیان، فقط امر و نهی زبانی است، به‌ویژه در مواردی که جلوگیری از منکر، مستلزم تصرف در اموال انجام‌دهنده منکر یا تعزیر یا زندانی کردن وی و نظایر اینها باشد. (خامنهای، 1420: 1 / 190 و 191)

اقدام عملی افراد برای نهی از منکر در بسیاری از موارد، باعث بهر پیختگی نظام اجتماعی نخواهد شد. زمانی که نهادهای امنیتی و قضایی آموزش دیده، مبارزه با منکرات و مرتکبین آنرا، در دستور کار خود قرار می‌دهند، هدف از نهی از منکر تحقق می‌یابد و ورود دیگران در این عرصه جز تزلزل و ایجاد هرج و مرج، راه‌آوردی نخواهد داشت.

از سوی دیگر، از آنجا که معروفها و منکرها در بسیاری از موارد بعد اجتماعی دارند، در زمان حکومت اسلامی، در چنین مواردی، رأی فقهی فقیه‌ای که ولایت و امامت امت در اختیار اوست، بر رأی فقهی دیگر فقیهان در صورت تعارض مقدم است. بدین ترتیب، حتی اگر فرض شود که فقیه امر بمعروف و نهی از منکر عملی را در همه مراتب آن، جلیز می‌داند درباره معروف و منکرهای اجتماعی، این فتوای نمی‌تواند حتی برای مقلدان وی مبنای عمل قرار گیرد.

البته ارجاع امر و نهی عملی به مأموران دولتی، به‌طور مطلق از مردم سلب مسئولیت نمی‌کند؛ زیرا در پارهای از موارد، چه بسا منکری که در حال وقوع است، به‌قدری اهمیت دارد که باید در هر صورت از آن جلوگیری کرد، هرچند به قتل مرتکب آن منجر شود. فتوای امام خمینی در این زمینه درخور توجه است. ایشان با آن که مانند دیگر فقها، زندی را که منجر به جرح یا قتل شود، جلیز نمی‌داند، می‌گویند:

اگر منکر از مواردی است که خداوند به‌هیچ‌وجه راضی به تحقق آن نباشد، مانند کشتن انسان بی‌گناه در این صورت نهی از منکر حتی اگر به مجروح شدن یا کشتن منتهی شود، جلیز بوده و نیازی به اجازه از امام یا فقیه نمی‌باشد.

اموال و بالاتر از آن گردد، در این صورت هیچ‌کس بدون اجازه حاکم شرع حق اقدام ندارد، بلکه باید اصل کار و مقدار و اندازه آن طبق ضوابط اسلامی با نظر حاکم شرع تعیین گردد». (مکارم شیرازی، پایگاه اطلاع‌رسانی ستاد احیای امر بمعروف استان اصفهان، www.rahebehesht.org)

(امام خمینی، بی تا: 1 / 481)

روشن است که این گونه اقدامات، به زمانی اختصاص دارد که دسترسی به مقامات انتظامی و قضایی در لحظه وقوع جنایت ممکن نباشد.

بدین ترتیب، در زمان حاضر که حکومت اسلامی وجود دارد و نهادهای خاصی مأموریت مبارزه با منکرات را بر عهده دارند، مردم فقط وظیفه امر و نهی قلبی و زبانی دارند و اقدام عملی برای جلوگیری از منکر در هر مرتبه و سطحی، وظیفه مقامات صلاحیت دار دولتی است؛ مگر آنکه:

1. منکر از مواردی باشد که در هر شرایطی بید از وقوع آن جلوگیری کرد، مانند قتل انسان بی گناه یا تجاوز به نوامیس مسلمانان.

2. در زمان وقوع منکر، به مقامات انتظامی و قضایی دسترسی نباشد.

در نتیجه به نظر می رسد در زمینه قلمرو شرعی و ضرورت رعایت مراحل امر به معروف و نهی از منکر، بلیسته است به نکات زیر توجه شود:

یک. سپردن امر و نهی عملی به مقامات صلاحیت دار: بنابراین در زمان حاضر که حکومت اسلامی وجود دارد و نهادهای خاصی مأموریت مبارزه با منکرات را بر عهده دارند، مردم صرفاً وظیفه امر و نهی قلبی و زبانی دارند و اقدام عملی برای جلوگیری از منکر - جز در موارد بسیار خاص - وظیفه مقامات صلاحیت دار دولتی است.

دو. پرهیز از افراط و تفریط: متأسفانه جامعه اسلامی ما همان گونه که در بسیاری از امور، گرفتار افراط و تفریط است، در مسئله امر به معروف و نهی از منکر نیز از این مصیبت رنج می برد. برخی به این فریضه عمل نمی کنند و برخی دیگر که احیاناً تعصب دینی هم دارند، نمی دانند شیوه درست امر به معروف و نهی از منکر چیست و مخاطب آنها کیست. تصور می کنند که به هر شکلی وارد صحنه شوند و هر نوع برخوردی که با خاطیان و متخلفان یا گناهکاران کردند، به وظیفه دینی خود عمل کرده اند و چه بسا از انجام آن نیز شاد باشند، غافل از آن که در برخی از موارد، به جای جلوگیری از یک منکر، خود مرتکب منکرات فراوانی شده اند.

سه. ضرورت فرهنگ سازی: به نظر می رسد، توجه به مراحل و مراتب امر به معروف و

نهی از منکر، موضوع بسیار مهمی است که نیازمند بسیجی همگانی برای فرهنگ‌سازی از سوی متولیان فرهنگی می‌باشد. در این زمینه لازم است آموزش‌های نظری و عملی مناسب برای سطوح مختلف مردم صورت پذیرد و همواره این آموزش‌ها بازخوانی شود. می‌دانیم که نهادهای نهادینه‌شدن این مهم نیازمند تصمیم‌گیری تدبیر و تداوم است.

چهار. تقدم اصل رحمت در اقدامات تدریجی: می‌توان از مجموع آنچه مربوط به لزوم رعایت مراتب بیان شد به یک اصل مهم اسلامی اشاره کرد و آن را مبنای هرگونه اقدام در هر مرتبه و مرحله‌ای دانست. این اصل، چیزی جز اصل «رحمت» نیست. در این زمینه شایسته است که در سخن امیر مؤمنان تأمل کنیم که فرمود:

وَإِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ
فِي السَّلَامَةِ - أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ
وَالْمَعْصِيَةِ. (نهج البلاغه/ خطبه 140)

بر کسانی که گناه ندارند و از سلامت دین برخوردارند، سزاست که بر گناهکاران و نافرمانان رحمت آرند.

باید اعتراف کنیم که ما قدرت محبت، عطف و نرمی را دست‌کم گرفته‌ایم و کمتر به این دستورات الهی توجه کرده‌ایم.

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي
هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ
وَلِيٌّ حَمِيمٌ. (فصلت / 34)

و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن، آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می‌شود.

قلمرو قانونی امر به معروف و نهی از منکر (محدودیت‌های قانونی)

موارد محدودیت را در یک تقسیم‌بندی کلی شامل ممنوعیت‌های مرتبط با حریم خصوصی و ممنوعیت‌های مرتبط با حوزه‌های قانونی، بررسی می‌کنیم.

الف) ممنوعیت‌های مرتبط با حریم خصوصی

حریم خصوصی، «قلمروی است که هر فرد - جز در موارد بسیار استثنایی - عرفاً یا شرعاً و یا قانوناً از ورود، نظارت و یا دسترسی بیگران به اطلاعات مربوط به آن مصون می‌باشد». این حریم در بر گیرنده ابعاد و حوزهای گوناگونی همچون حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی اماکن و منازل، حریم خصوصی ارتباطات و حریم خصوصی اطلاعات می‌باشد. اینک به بررسی این ابعاد به همراه مستندات قانونی آنها می‌پردازیم:

1. حریم خصوصی جسمانی: شامل هرگونه بازرسی بدن از روی لباس، بازرسی بدن با درآوردن لباس، تفتیش اندامهای داخلی انسان و انجام معاینات و آزمایش‌های پزشکی است.

2. حریم خصوصی اماکن، منازل و وسایل: شامل ورود به منزل، باغ، وسیله نقلیه و بخشی از فضای در اختیار گرفته شده توسط افراد در پارکها و استراحتگاهها است.

در زمینه مستند قانونی مواردی که می‌توان به اصل ۲۲ قانون اساسی اشاره کرد: «حیثیت،^۱ جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

3. حریم خصوصی ارتباطات: شامل حق اشخاص در محرمانه نگه داشتن ارتباطات کلامی، ارتباطات پستی (محتوای تمامی اشکال مراسلات)، ارتباطات مخابراتی (ارتباطات از راه دور از طریق تلفن، تلکس، فکس، بی‌سیم) و ارتباطات الکترونیکی و اینترنتی (شکل‌های جدید مراسلات همچون پست الکترونیکی و ملهوارهای که دامنه این حوزه از حریم خصوصی را به شدت توسعه داده است).

1. حیثیت همان آبرو و شأن و منزلت اجتماعی فرد است که به آسانی به دست نمی‌آید و افراد بر پایه آن، احترام و تکریم می‌شوند. بنا به اصل 39 قانون اساسی: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی، یا تبعید شده به هر دلیل که باشد، ممنوع و موجب مجازات است». ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر این نکته تأکید کرده است: «هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد». ماده دوازدهم «لحدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نیلبد مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نیلبد مورد حمله قرار گیرد. هرکس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد». مواد 9 و 17 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به ترتیب تأکیدکننده مفاد مواد 3 و 12 اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

اصل ۲۵ قانون اساسی در این زمینه مقرر می‌دارد که

بازرسی و نرسیدن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخبریات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخبره و نرسیدن آنها، لستراق سماع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل مزبور ظهور در اقداماتی دارد که دولت یا مأموران دولتی نسبت به مردم دارند، اما می‌توان از آن استظهار کرد که قانون‌گذار در مقام بیان ممنوعیت مطلق و نامشروع بودن نفس چنین اقداماتی است، خواه این اقدام از سوی دولت نسبت به مردم باشد یا از سوی برخی از مردم نسبت به برخی دیگر. بدین ترتیب رهگیری تمامی ارتباطات از راه دور و پایش ارتباطات کلامی - حضوری افراد جز با رعایت قانون، ممنوع است.

ماده 648 از قانون مجازات اسلامی درباره نقض حریم خصوصی جسمانی، چنین مقرر کرده است:

اطبا و جراحان و ملامها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یکسال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

ممنوعیت افشای اسرار در ماده یاد شده شامل موارد مستمرک امر به معروف یا نهی از منکر نیز می‌شود.

مطابق «بند ف ماده 3» قانون، بخشی از وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب 1382/9/19 مجلس شورای اسلامی، «حفاظت و حراست و عدم ضبط و افشای انواع مراسلات و امانات پستی و همچنین مکالمات تلفنی و مبادلات شبکه اطلاع‌رسانی و اطلاعات مربوط به اشخاص حقیقی و حقوقی طبق قانون» است. بر این اساس انواع شنود و رهگیری‌ها بدون رضایت افراد ممنوع می‌باشد.

می‌توان از این مصوبه استظهار کرد که مأموران وزارتخانه، به دلیل برخورداری از امکانات

لازم علاوه بر عدم تعرض به حریدم خصوصی ارتباطات افراد، موظفانند از تعرض دیگران و دسترسی آنان به اطلاعات مربوط به اشخاص، جلوگیری کنند، حتی اگر مستمسک چنین افرادی امر به معروف یا نهی از منکر باشد.

4. حریم خصوصی اطلاعات: شامل حق اولیه افراد در محرمانه ماندن و جلوگیری از دریافت، پردازش و انتشار داده‌های شخصی مربوط به خود، مگر در موارد قانونی است. قانون تجارت الکترونیک ایران، مصوب 1382/10/17 مجلس شورای اسلامی در مواد 58 تا 61 به موضوع حملات داده‌ها پرداخته است.

مواد 58 تا 78 قانون تجارت الکترونیک ایران نیز حملات از «داده پیام‌های» شخصی (حملات از داده)¹ را مورد توجه قرار داده است.

تمامی اصول و مواد قانونی مورد اشاره، بیانگر حساسیت فوق‌العاده قانون‌گذار در زمینه حریدم خصوصی و لزوم صیانت از حقوق مردم در این حوزه است که ره‌آورد آن امنیت خاطر همه شهروندان خواهد بود و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نیز در خارج از این قلمرو و محدوده پیگیری می‌شود.

رابطه امر به معروف و نهی از منکر با حریم خصوصی

با عنایت به آنچه در زمینه حریدم خصوصی و گونه‌های مختلف آن گفته شد، می‌توان به‌خوبی استنباط کرد که جز در موارد بسیار استثنایی، وظیفه شرعی و قانونی افراد در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، خارج از حریدم خصوصی اشخاص است. در جامعه‌ای که با وجود اهتمام به نظارت عمومی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به احترام به حریدم خصوصی نیز توجه می‌شود، سلامت فضای عمومی همراه با احساس آرامش و امنیت روحی و روانی در مردم، دلپذیرترین محیط را برای پویایی و رشد مادی و معنوی به وجود خواهد آورد.

ب) ممنوعیت‌های مرتبط با حوزه نهاد‌های قانونی

بسیاری از اعمال غیرقانونی که از سوی برخی از مردم سر می‌زند، صرفاً نیازمند تذکر زبانی

1. Protecton Data.

است و اقدامات فراتر از آن را نهادها و دستگاه‌های دولتی، برابر شرح وظایف مقرر خود بر عهده دارند. برای مثال جعل یا سوءاستفاده از اسناد دولتی، صدور چک بلامحل، کلاهبرداری، قاچاق کالا و ارز و نفی‌س ملی، آدم‌ربایی، نگهداری و حمل یا فروش سلاح، نگهداری و حمل یا فروش مشروبات الکلی و نیز جاسوسی برای بیگانگان از جمله منکرات مهمی هستند که باید از آنها جلوگیری کرد. برخورد شلیسته با برخی از موارد ذکرشده نیازمند ظرافت‌ها و یا اقدامات امنیتی خاصی است که جز از مأموران آموزش‌دیده و ورزیده و نیز با روزها و یا ماه‌ها کار اطلاعاتی و تشکیلاتی امکان‌پذیر نیست؛ بديهی است اقدامات دیگران در چنین مواردی هرچند با انگیزه‌های بسیار مقدس صورت گیرد، نه‌تنها به نتیجه مطلوب منجر نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد آثار مخرب فراوانی را بر جای خواهد گذاشت.

به عبارت دیگر، در یک نگاه کلی به منکرات در جوامع کنونی می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:

1. منکراتی که از نظر شرعی ممنوعند، ولی در قوانین موضوعه نسبت به ممنوعیت آنها تصریحی نشده است. از جمله نگاه به نامحرم و یا دیدن فیله‌ها، عکس‌ها و تصاویر مستهجن؛

2. منکراتی که هم از نظر شرعی و هم از نظر قانونی ممنوعند، مانند روزخواری در انتظار عمومی؛

3. منکراتی که هم از نظر شرعی و هم از نظر قانونی ممنوعند، ولی در گذشته وجود نداشته و خاص جوامع پیچیده امروزی هستند و معمولاً به‌طور سازمان‌یافته صورت می‌گیرند، مانند جعل اسناد دولتی، قاچاق کالا و یا جاسوسی.

هرگاه یک منکر شرعی از نظر قانونی ممنوع شود، از آنجا که هر قاعده حقوقی دارای ضمانت اجرایی است، بنابراین دولت برای مبارزه با چنین منکراتی، سازوکارهای لازم را در نظر می‌گیرد و هر آنچه را که در این راستا ضروری تشخیص دهد، اعزام نیروی انسانی و تجهیزات مورد نیاز را فراهم می‌کند. بر این اساس در منکرات دسته دوم و سوم در کنار حرمت شرعی منکری که انجام می‌گیرد - و این امر عکس‌العمل مؤمنان را در نهی‌ازمنکر با رعایت مراحل و مراتب آن در پی دارد - ما با حضور مأموران دولت نیز روبه‌رو خواهیم بود. در چنین مواردی، هم

به دلیل احتمال تزلزل و اصطکاک میان مأموران دولت با نهی‌کنندگان از منکر و هم‌بسته‌دلایل دیگر که از جمله تخصصی‌بودن مبارزه با منکرات دسته سوم می‌باشد، لازم است میان اقدامات اشخاص حقیقی با مأموران دولتی، مرزبندی لازم صورت گیرد؛ این مرزبندی همان‌گونه که در دستورات رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها و بارها آمده است، نهی‌ازمنکر در دو مرحله قلبی و زبانی از سوی مردم است و فراتر از آن را باید به مأموران دولت در نهادهای و دستگاه‌های مسئول واگذار کرد. به نظر می‌رسد با توجه به دسته‌بندی ذکرشده اقدامات مردمی در نهی‌ازمنکر قلبی و زبانی مختص دسته اول و دوم منکرات است.

در زمینه منکرات دسته سوم، گاه منکر مورد نظر به قبری دارای اهمیت و حساسیت است که حتی انکار قلبی و زبانی از سوی مردم عادی، یعنی کمترین واکنش نسبت به مجرم‌یا مجرمان سبب می‌شود که کلیه مراحل پیگیری، تعقیب و دستگیری آنان با مشکل روبه‌رو شود. به همین دلیل، می‌توان گفت که در منکرات دسته سوم، هرگونه اقدام در هر مرحله را باید به دولت و مقامات دولتی سپرد و نقشی که مردم از باب نهی‌ازمنکر می‌توانند ایفا کنند، صرفاً نقش گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی در مراحل اولیه است. به عبارت دیگر، مبارزه با این‌گونه از منکرات خاص و ویژه را باید به مأموران ویژه سپرد. این‌گونه تعامل مردم با دستگاه‌های قانونی، هم‌بیانگر حس مسئولیت‌پذیری شرعی و ملی آنان است و هم‌چون از پیام‌های منفی اقدامات خودسرانه جلوگیری خواهد کرد.

نتیجه

1. دعوت افراد به امور شایسته و پس‌نیده در ابتدا و سپس واداشتن یا بازداشتن آنان به هر فعل یا ترک فعلی یا از هر فعل یا ترک فعلی که در قوانین و مقررات و یا شرع، امر شده یا از آن منع شده است، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر.
2. از آنجا که آیه 71 سوره توبه مستند این اصل قرار گرفته است، این تأسیس حقوقی، خاستگاهی دینی دارد و قانون اساسی - به استثنای مورد سابق‌الذکر - همان نظارت عمومی مورد توجه شرع را به رسمیت شناخته و آن را مدل مناسب، بلکه لازمی برای سال‌های محیط اجتماعی تشخیص داده است.

3. با وجود برخی تفاوت‌های ظاهری، قلمرو شرعی و قانونی در این موضوع، همسو با یکدیگر و مکمل هم هستند. امر به معروف و نهی از منکر، حوزه‌های مختلفی از جمله شئون اسلامی، حقوق شهروندی، عفت عمومی، امور خانوادگی، امنیت و انضباط اجتماعی، بهداشت عمومی، حفظ اموال عمومی و حفاظت از محیط زیست را دربر می‌گیرد، ولی در مجوزهای زیر، اقدامات مردمی مطالبه نشده یا نهی شده و یا با محدودیت‌هایی روبه‌روست:

یک. موارد هشت‌گانه‌ای که از نظر شرعی، مجوزی برای امر به معروف و نهی از منکر نسبت به آنها وجود ندارد؛

دو. مواردی که به دلیل حریم خصوصی بودن، دخالت اشخاص دیگر بدون رضایت فرد، به هر دلیل و عنوانی، قانوناً ممنوع است؛

سه. مواردی که به دلیل ممنوعیت توأمان شرعی و قانونی، لازم است نهی از منکر در دو مرحله قلبی و زبانی از سوی مردم انجام گیرد و فراتر از آن را بیلد به مأموران دولت در نهادهای و دستگاه‌های مسئول واگذار کرد.

چهار. در پارهای از موارد به دلیل اهمیت و حساسیت فوق‌العاده آن، امر به معروف و نهی از منکر بیلد به صورت سازماندهی شده توسط نهادهای ذیصلاح قانونی صورت گیرد و هرگونه اقدام در هر مرحله (قلبی، زبانی و عملی) لازم است به مقامات مربوط سپرده شود. در چنین مواردی نقش مردم صرفاً نقش دادن گزارش در مراحل اولیه است.

پیشنهاد: گرچه در برخی از محورهای چهارگانه بند سوم، هم در شرع مقدس و هم در قوانین موضوعه - هرچند به صورت پراکنده - تعیین تکلیف صورت گرفته است، اما تأمل در موارد مربوط به قلمرو شرعی و قلمرو قانونی به‌خوبی نشان می‌دهد که در هیچ‌یک از این محورها، ابعاد مختلف آنها شناسایی و دسته‌بندی لازم صورت نگرفته و قوانین موردنیازی که اعمال شهروندان را درباره امر به معروف و نهی از منکر به صورت ضابطه‌مند درآورد، تدوین نشده است. در نظام مقدسی که در صدد تطبیق قوانین با شرع انور است، این خالهای قانونی بیلد برطرف شود. بر همین اساس، در اجرای اصل هشتم قانون اساسی و به‌ویژه درباره شفافسازی صدر این اصل که بیانگر وظیفه متقابل مردم نسبت به یکدیگر می‌باشد،

قانون گذار، لازم است به گونه ای جامع، تدابیر بلیسته و شلیسته را در نظر گیرد. بدون وجود سازوکارهای قانونی چه بسا اقدامات خودسرانه و یا برداشتهای و سلیقههای متفاوت در انجام این وظیفه شرعی و قانونی، به نظام اجتماعی آسیب رسانده، موجب نقض غرض شود.

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم .
2. نهج البلاغه .
3. احسائی، ابن ابی جمهور، 1405 ق، عوالمی اللالی، قم، انتشارات سیدالشهداء .
4. امام خمینی، سیدروح الله، 1386، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .
5. _____، بی تا، تحریر الوسیلة، قم، دار العلم .
6. انصاری، باقر، 1386، حقوق حریم خصوصی، تهران، سمت .
7. پایگاه اطلاع رسانی ستاد احیای امر به معروف استان اصفهان. www.rahebehesht.org
8. حر عاملی، 1409 ق، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البیت (ع) .
9. خامنه ای، سیدعلی، 1420 ق، أجوبة الاستفتاءات، بیروت، الدار الإسلامی .
10. دیلمی، حمزة بن عبدالعزیز، 1404 ق، المراسم العلویة و الأحکام النبویة فی الفقه الإمامی، سلار، قم، منشورات الحرمین .
11. راوندی، قطبالدین سعید بن عبدالله بن حسین، 1405 ق، فقه القرآن، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی .
12. سرروش، محمد، 1381، «مبانی عقلانی امر به معروف ونهی از منکر»، فصلنامه حکومت

- اسلامي، سال هفتم، شماره دوم .
13. سيدستاني، سيدعلي، بيتا، *مذهاج الصالحين*، بيجا، بي نا .
14. طباطبايي، سيدمحمدحسين، 1417 ق، *الميزان في تفسير القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامي .
15. طوسي، محمد بن حسن، 1365، *تهذيب الاحكام*، تهران، دارالكتب الاسلاميه .
16. عاملي، محمد بن مكّي، 1410 ق، *اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية*، بيروت، دارالتراث - الدار الإسلامية .
17. علامه حلي، حسن بن يوسف بن مطهر، بيتا، *تذكرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل البيت .
18. _____ ، 1407 ق، *نهج الحق و كشف الصدق*، قم، دار الهجرة .
19. _____ ، 1413 ق، *مختلف الشيعة في أحكام الشريعة*، قم، دفتر انتشارات اسلامي .
20. كركي، علي بن حسين عاملي، 1414 ق، *جوامع المقاصد في شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل البيت، ج دوم .
21. كليني، محمد بن يعقوب، 1365، *الكافي*، تهران، دار الكتب الإسلامية .
22. متقي هندي، علاء الدين علي بن حسام الدين، 1401 ق / 1981 م، *كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال*، بيروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الخامسة .
23. محقق حلي، نجم الدين جعفر بن حسن، 1408 ق، *شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام*، قم، اسماعيليان .
24. مطهري، مرتضي، 1366، *مجموعه آثار استاد شهيد مطهري*، ج 17، تهران، مدرّا .
25. _____ ، 1375، *مجموعه آثار استاد*

- شہید مطہری، ج 20، تہران، صدرا.
26. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، 1413 ق، *المقذعة*، قم، کذگرہ جہانی ہزارہ شیخ مفید.
27. مکارم شیرازی، ناصر، 1411 ق، *القواعد الفقہیة*، قم، مدرسہ الامام امیرالمؤمنین.
28. نجفی، صاحب الجواہر، محمدحسن، بی‌تا، *جواہر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

قوانین

1. اعلامیہ جہانی حقوق بشر.
2. قانون اساسی جمہوری اسلامی ایران.
3. قانون تجارت الکترونیک ایران.
4. قانون مجازات اسلامی.
5. قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات.

پژوہشکاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی